



چیسنتے

پداگوژی تربیت بدنی

نویسنده: ریچارد تاینینگ - مترجم: دکتر جواد آزمون

مقدمه مترجم

مدتها بود که در متون انگلیسی و گاهی ترجمه‌های مرتبط با تعلیم و تربیت و تربیت بدنی با واژه یا اصطلاح «pedagogy» برخورد داشتم که معادل‌ها یا معنای ارائه شده برای آن (مثل تعلیم، تربیت، فن تعلیم، تعلیم و تربیت و...) را مقبول نیافتم. توفیق دسترسی به کتاب «پداگوژی» ترجمه دکتر فریده مشایخ (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۲) و مطالعه آن، مرا به معنای مقصود و مقبول رساند. مترجم در این کتاب، که به گونه‌ای جالب و مستند پداگوژی را از دوران باستان تا به امروز به خواننده عرضه می‌کند، «علم و هنر یاددهی - یادگیری» را معادل پداگوژی معرفی می‌کند. این معادل به نظرم مناسب‌ترین و شیواترین معنا را در خود دارد و به بهترین شکل، منظور واقعی و حق کلمه را ادا می‌کند. شغف حاصل از درک معادل کامل برای واژه پداگوژی علاوه بر علاقه و تمایلم به درک بیشتر و بهتر این کلمه، مرا به جست‌وجو در منابع مرتبط با تربیت بدنی و یافتن، مطالعه و ترجمه مقاله ذیل واداشت. این مقاله مختصر و مفید که ریچارد تاینینگ، استاد پداگوژی و تربیت بدنی دانشگاه کوئینزلند، آن را به رشته تحریر درآورده است، همانند کتاب پداگوژی، برای اصطلاح «pedagogy» معادلی مشابه، یعنی «هنر و علم تدریس» ارائه و آن را به وضوح تشریح کرده است. هدف از ترجمه پیش رو، علاوه بر افزایش دانش و آگاهی خود، این بود که یافته موردنظر را با علاقه‌مندان این حوزه از علم به اشتراک بگذارم. اما قبل از مطالعه اصل ترجمه، توجه شما را به دو تصمیم ذیل، که به منظور یکدستی و جلوگیری از طولانی شدن متن ترجمه گرفته شده است، جلب می‌کنم:

۱. واژه «pedagogy» با همان تلفظ «پداگوژی» به معنای «علم و هنر یاددهی - یادگیری» استفاده شده است.
۲. واژه «pedagogical» با همان تلفظ «پداگوژیکال»، از ریشه «pedagogy» به معنای «مربوط به علم و هنر یاددهی - یادگیری» استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: پداگوژی، تربیت بدنی، تعلیم و تربیت



با این حال در طی دهه‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ این علم تدریس بود که به روش غالب تفکر در مورد یادگویی در تربیت‌بدنی تبدیل شد. اگرچه معلمان ممکن است به کار خودشان به‌عنوان یک علم فکر نکنند، اما محققان حوزهٔ تعلیم و تربیت معتقد به سنت روان‌شناسی رفتاری بر این باور بودند که شیوهٔ یادگویی یکال بر پایهٔ اصول رفتاری خاصی پی‌ریزی شده است و می‌تواند مشاهده، اندازه‌گیری و با شیوهٔ علمی مطالعه شود. تمرکز ابزاری بر موضوعات فنی مرتبط با بهبود شیوهٔ تدریس، مشخصهٔ بسیاری از کارهای اولیهٔ محققان در تربیت‌بدنی بود.

روش دیگر برای تفکر در مورد یادگویی، تفکر روی فرایندی است که از طریق آن دانش به‌دست آمده است. تفکر در مورد یادگویی به‌عنوان یک فرایند، به معلمان اجازه می‌دهد تا پا را فراتر از تمرکز فنی بر راهبردهای تدریس بگذارند و پرسش‌هایی را در مورد علایق خود بی‌پرسند که با انتخاب برنامهٔ درسی خاص و شیوهٔ یادگویی یکال به آن‌ها پاسخ بدهند.

هنگامی که معلمان «یادگویی» را اعمال می‌کنند، یعنی درگیر شیوه‌های خاصی می‌شوند و هدفشان آن است که دانشی را منتقل یا بازتولید کنند (مانند نحوهٔ بازی فوتبال یا انجام کرال سینه). ایده و نظریهٔ هدف یا نیت برای یادگویی مهم است. هر کسی ممکن است از تجربه کردن یا مواجه شدن با یک دستگاه یا قطعه‌ای از تجهیزات چیزی یاد بگیرد (برای مثال، کودکی که یک توپ فوتبال را در حیاط خلوت پیدا می‌کند و از طریق آزمون و خطا یاد می‌گیرد توپ را شوت کند). اما اگر هدف از انتقال دانش (توسط یک معلم، مربی، والدین یا سایر عوامل درگیر در امر یادگویی) صریح و روشن نباشد، بدین معناست که هیچ‌گونه یادگویی وجود نداشته است. از این گذشته، به‌عنوان یک نتیجه یا پیامد برای یادگویی می‌توان گفت و فرض کرد که کار یادگویی یکال خاصی انجام شده است.

کار یادگویی یکال

بنابراین، کار یادگویی یکال، عواقب و پیامدهای یادگویی را چشمگیر و برجسته می‌کند. این موضوع مربوط به شیوه‌های یادگویی یکال خاص نیست، بلکه به دانش، روش‌های تفکر، گرایش‌ها و غیره مربوط می‌شود که در واقع به‌وسیلهٔ مواجهه‌های خاص یادگویی یکال تولید (یا بازتولید) می‌شوند. اصطلاح تولیدشده (یا بازتولیدشده)

در سرتاسر گفتمان تعلیم و تربیتی، استفادهٔ مکرر از واژه انگلیسی نامأنوس و جدید یادگویی^۱، یادگویی همه‌شمول، یادگویی سازنده و حتی یادگویی تربیت‌بدنی وجود دارد. توضیح اصطلاح یادگویی، نحوهٔ استفاده از آن در تربیت‌بدنی و اینکه چگونه ایدهٔ یادگویی یکال می‌تواند مفهوم مفیدی برای تفکر دربارهٔ یاددهی و یادگیری در حوزهٔ سلامت و تربیت‌بدنی باشد، هدف این مقاله است.

اصطلاح یادگویی از سوی بعضی (یا بسیاری) از افراد یک واژهٔ بدترکیب تلقی می‌شود و به ندرت معلمان از آن استفاده می‌کنند. برخی چنین استدلال می‌کنند که یادگویی یک گفتمان علمی در مورد تعلیم و تربیت است و عمدتاً در داخل دانشگاه‌ها و در صفحات مجلات علمی گمنام از آن بحث و حمایت می‌شود. اما امروزه، این اصطلاح به جریان اصلی گفتمان تعلیم و تربیتی نفوذ و رسوخ کرده است و می‌توان آن را در بسیاری از اسناد رسمی بخش تعلیم و تربیت یافت.

ریشه‌های اصطلاح یادگویی را می‌توان در کلمهٔ یونان باستانی «معلم یا یادگار آ» یافت. یادگار در یونان باستان به مردی گفته می‌شد که بر یک کودک یا جوان نظارت داشت و کسی بود که یک پسر (یا فقط پسران) را از خانه به مدرسه هدایت و راهنمایی می‌کرد. اصطلاح یادگویی در کشورهای انگلیسی‌زبان متفاوت با قارهٔ اروپا یا اسکانندیناوی درک و فهمیده می‌شود. مثلاً برای بعضی در جمهوری چک یادگویی یک اصطلاح تحقیرآمیز است که به نظام دولتی ایدئولوژیکی رژیم پیشین کمونیست مربوط می‌شود. در سوئد، یادگویی در ارتباط با خانواده و شیوه‌های فرزندپروری به کار می‌رود.

روش‌های متعددی وجود دارند که در آن‌ها اصطلاح یادگویی در داخل تربیت‌بدنی استفاده می‌شود. برای برخی، یادگویی با یاددهی یا تدریس^۲ تربیت‌بدنی یکسان تلقی می‌شود. برای دیگران، یادگویی مترادف با آموزش^۳ است. این لغزش یا کمبود وضوح مفهومی گاهی همراه‌کننده است و تمایز قاطع بین این اصطلاحات را دشوار می‌سازد.

فرهنگ‌های لغت (برای مثال، فرهنگ لغات انگلیسی آکسفورد) تعریف واضح و مفیدی از یادگویی، یعنی «هنر یا علم تدریس»^۴ ارائه می‌دهند. در واقع، این تعریف یک مفهوم متداول از یادگویی، به‌ویژه در ایالات متحدهٔ آمریکا است.

با این حال، یادگویی سلامت و تربیت‌بدنی در تجهیز دانش آموزان جوان به دانش، توانایی بالقوه‌ای دارد که می‌تواند به آنان کمک کند تا با دانش به‌دست آمده در مورد فعالیت‌بدنی، بدن و سلامت، مسیر و روش آگاهانه‌ای بیابند



بدین منظور در اینجا استفاده شد که روشن سازد هم تولید و هم بازتولید دانش رخ می دهند. اکثر آنچه معلمان در تربیت بدنی (همان طور در حوزه یادگیری سلامت و تربیت بدنی) انجام می دهند تولید کارهای پداگوژیکال مربوط به سه بعد مشترک و مرتبط به هم فعالیت بدنی، بدن و سلامت است. برای مثال، زمانی که معلمان برای فعالیت بدنی به پداگوژی می پردازند، انجام کارهای پداگوژیکال روی بدن اجتناب ناپذیر است. بچه ها از طریق یادگیری فعالیت های بدنی که بخشی از تربیت بدنی مدرسه را تشکیل می دهند، در مورد بدنشان (یعنی آنچه که می توانند یا نمی توانند انجام دهند) یاد می گیرند.

یکی از مزایای توجه به پداگوژی به عنوان فرایند تولید (یا بازتولید) دانش، به جای توجه صرف به هنر و علم تدریس، این است که معلمان را قادر می سازد تا توجه خود را از تمرکز بر جنبه های فنی راهبردهای تدریس (نه به این معنا که مهم نیستند) به سمت توجه بیشتر به عواقب یا پیامدهای (هم مشهود و هم نامشهود) حاصل از مواجهات پداگوژیکال بچرخانند. برای لحظه ای به دانش آموزان دوره ابتدایی مشغول یا درگیر درس شنا فکر کنید. هدف یا مقصود درس ممکن است تدریس نحوه انجام شنای کراال سینه باشد. بعضی از بچه ها (یا بیشتر آن ها) ممکن است هدف در نظر گرفته شده را یاد بگیرند، اما شاید بعضی نیز یاد بگیرند که نفس گیری در این نوع شنا می تواند موجب ورود آب به دهانشان شود یا اینکه نگه داشتن سرشان در زیر آب ترسناک است. چنین یادگیری هایی قصد شده نیستند، اما با این وجود می توانند بر میل کودک برای ادامه فعالیت تأثیر بسیار مهمی داشته باشند. همچنین به درس شنا در یک مدرسه متوسطه فکر کنید. چنین درسی به گونه ای اجتناب ناپذیر، موقعیتی برای یادگیری چیزی در مورد بدن خود خواهد بود (یعنی یاد بگیرند که بدنشان خوب، خیلی لاغر، بیش از حد چاق، بیش از حد نابالغ یا هر چیز دیگری است). در نتیجه، پداگوژی درس شنا می تواند باعث کار پداگوژیکال روی بدن شود که در برنامه درسی معلم نبوده است.

با این حال، اساساً کار پداگوژیکال روی بدن یا برای بهبود آن، فعالیت بدنی و سلامتی، دیگر منحصر به حفظ و پیگیری سلامت و تربیت بدنی نیست. سایر بازیگران فرهنگی مانند رسانه ها، سازمان های دولتی، کارزارهای تبلیغ و ترویج سلامت و صنعت آمادگی جسمانی نیز دارای

منافعی (که لزوماً بد نیستند) در تولید (یا بازتولید) دانش خاص در مورد بدن، فعالیت بدنی و سلامت هستند. کارزارهای تبلیغ و ارتقای سلامت می توانند به عنوان یک پداگوژی طراحی شده برای آموزش افراد در مورد اهمیت انجام فعالیت بدنی منظم مورد توجه قرار گیرند. برای مثال در برنامه جدید ۱۰۰۰۰ گام در روز، پیام صریح، راه رفتن بیشتر برای سلامتی است. در این مورد، نیت از پداگوژی ترویج سلامتی شبیه به پداگوژی ترویج سلامت و تربیت بدنی مدرسه است که تلاش می کند تا در مورد اهمیت فعالیت بدنی برای سلامتی، دانش تولید (یا بازتولید) کند. سلامت و تربیت بدنی بیشتر درباره تعلیم و تربیت شهروند فعال و سالم و آینده است.

با این حال، درست همانند مثال درس شنا، کار پداگوژیکال ترویج سلامتی همیشه به این معنا نیست که طراحان می توانند امیدوار باشند و احتمال بدهند که برخی یاد بگیرند پیاده روی برای بهبود سلامت آن ها اهمیت زیادی دارد، اما هنوز تصمیمی برای شرکت در آن را ندارند. آیا احتمال دارد که پیروی از هدف ۱۰۰۰۰ گام بیش از حد دلهره آور باشد و موجب تعویق شرکت در فعالیت شود؟ با این حال، گاهی دانشی که سایر بازیگران فرهنگی ممکن است در پداگوژی یا به کمک آن، تولید (یا بازتولید) کنند، با آنچه در پداگوژی سلامت و تربیت بدنی تدریس می شود مطابق و سازگار نیست. هنگامی که چنین موردی پیش آید، معمولاً به دانش آموزان اجازه داده می شود برای دستیابی به یک معنای واحد از پیام های گیج کننده بی شمار در مورد بدن، فعالیت بدنی و سلامت با یکدیگر گفت و گو کنند و به توافق برسند. با این حال، پداگوژی سلامت و تربیت بدنی در تجهیز دانش آموزان جوان به دانش، توانایی بالقوه ای دارد که می تواند به آنان کمک کند تا با دانش به دست آمده در مورد فعالیت بدنی، بدن و سلامت، مسیر و روش آگاهانه ای بیابند.

جا انداختن کلمه «بدترکیب» پداگوژی و درک چیزهایی که کار پداگوژیکال تولید می کند کانون توجه مفیدی برای معلمان مهیا می کند تا در شیوه خود و عواقب یا پیامدهای مورد نظر و ناخواسته آن تأمل کنند. با تمرکز دقیق بر فرایندی که از طریق آن دانش تولید (یا بازتولید) می شود، معلمان می توانند کار خود را روی زمینه وسیع تری متمرکز کنند و این عمل می تواند به تعیین انتظارات واقعی برای یادگیری دانش آموز کمک کند.

آنچه معلمان در تربیت بدنی (همان طور در حوزه یادگیری سلامت و تربیت بدنی) انجام می دهند تولید کارهای پداگوژیکال مربوط به سه بعد مشترک و مرتبط به هم فعالیت بدنی، بدن و سلامت است

پی نوشت ها

1. Richard Tinning
2. Pedagogy
3. pedagogue
4. teaching
5. instruction
6. the art or science of teaching
7. campaigns

منابع

۱. گوتیه، کرمون و تاردیف، موریس (۱۹۹۶). پداگوژی، مترجم: فریده مشایخ، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۲.
2. <https://activeeducationmagazine.Wordpress.com/2012/12/10/what-is-physical-education-pedagogy/>.